

کتابخانه شمس تبریزی

۱ / اندیشه‌ها

طرحی از منظومه حکمی و عرفانی شمس تبریزی

مهدی سالاری نسب



نشرنی

سرشناسه: سالاری نسب، مهدی، ۱۳۶۰ - ● عنوان و نام پدیدآور: کتاب شمس تبریز ۱: اندیشه‌ها: طرحی از منظومه حکمی و هنری شمس تبریزی / مهدی سالاری نسب. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷ ● مشخصات ظاهری: ۵۸۱ ص. ● شابک: 8-579-185-964-978 ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ● عنوان قرارداد: مقالات، برگزیده، شرح ● موضوع: شمس تبریزی، محمد بن علی، ۵۸۲-۶۴۵ق. - نقد و تفسیر Shams Criticism and interpretation - Tabrizi, Mohammad ibn Ali، شمس تبریزی، محمد بن علی، ۵۸۲-۶۴۵ق. مقالات - نقد و تفسیر: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴ Mysticism-Early works to 20th century: Sufism-Early works to 20th century، تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴ ● رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ س ۲ ۸ ش / BP۲۷۹/۲ ● رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۸۹۲۴ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۶۱۱۳۴

قیمت: ۶۸۰۰۰ تومان



نشرنی

کتاب شمس تبریز

۱

اندیشه‌ها

طرحی از منظومه حکمی و هنری شمس تبریزی

مهدی سالاری نسب

ویرایش: مونا سیف

صفحه‌آرایی: الهه خلیج‌زاده

طرح جلد: پرویز بیانی

لیتوگرافی: باختر ● چاپ: علی ● صحافی: علی

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۵۷۹-۸

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۱۳	یاد و سیاست
۱۵	گاه‌شمار زندگی شمس
۱۷	مقدمه

قسمت اول

منظومه حکمی شمس

۵۳	بخش اول: انسان
۶۳	الف) بحث نظری: هستی و چیستی انسان
۸۱	فصل اول: اصالت درون انسان
۹۲	۱. وحدت
۱۰۲	۲. ارزش و کرامت انسان
۱۰۸	فصل دوم: غربت
۱۱۵	وطن اصلی آدمی و ریشه الهی او
۱۱۸	فصل سوم: تنهایی

فصل چهارم: مؤخره‌ای بر مباحث نظری: نگرش شمس به جهان، مرگ، زندگی ۱۲۸

۱. جهان ۱۲۹

۲. زندگی و مرگ ۱۳۵

(ب) مرحله عملی: سلوک عرفانی از منظر شمس ۱۴۷

فصل اول: نیاز ۱۵۷

فصل دوم: زهد ۱۶۴

فصل سوم: متابعت ۱۷۷

فصل چهارم: زندگی در لحظه حال (پاس داشتن وقت) ۱۸۷

فصل پنجم: شمس و رضایت ۱۹۳

سماع ۲۰۲

(ج) نگاه عینی: اسباب و مثال برای اندیشه شمس ۲۰۹

فصل اول: ولی مستور و ولی شهو ۲۱۸

شیخ طریقت ۲۲۵

فصل دوم: مقام عاشقی و مقام معسوفی ۲۳۷

بخش دوم: حقیقت ۲۴۳

الف) دو بحث مقدماتی: خدا و سخن ۲۵۵

فصل اول: درباره خدا ۲۵۷

فصل دوم: درباره سخن (زبان) ۲۶۵

(ب) راه تقرّب به حقیقت و روش حفظ آن ۲۷۵

فصل اول: کل نگرى ۲۷۶

فصل دوم: علم شهودی و علم حصولی ۲۸۲

ردّ تقلید و علم تقلیدی ۲۹۱

فصل سوم: تفسیری (مشکک) بودن حقیقت ۲۹۵

مدارا ۳۰۶

فصل چهارم: نهفتن اسرار و خاموشی ۳۱۳

بخش سوم: عشق ۳۲۱

الف) عشق در بینش شمس ۳۲۹

۱. عشق قدیم است ۳۲۹

۲. سبب خلقت عالم عشق است ۳۲۹

۳. عشق در همه جا هست ۳۳۰

۴. عشق قابل شرح نیست ۳۳۰

۵. عشق مهیب و سوزان است ۳۳۱

۶. عشق دلیر و قدرتمند کند ۳۳۱

۷. عشق می‌باید شد ۳۳۱

۸. عشق لطف و خوشی محض است ۳۳۲

۹. عاشق معشوق را با هم در اتحادند ۳۳۲

۱۰. عاشق همه داراید و تو باش را صرف معشوق می‌کند ۳۳۲

۱۱. معشوق را از چشم سوزان نگریست ۳۳۳

۱۲. روش و نقش عاشق و معشوق تفاوت و متمایز است ۳۳۵

۱۳. عشق دو سویه است. نقش عشق و معشوق در وقت کمال عشق همسان می‌شود ۳۳۵

۱۴. عشق هیچ‌گاه از یاد و از بین نمی‌رود ۳۳۷

۱۵. آدمی همزادی دارد ۳۳۷

ب) عشق شمس و مولانا ۳۳۹

۱۶. شمس در پی همزاد، عاشق و معشوق خویش برده است ۳۳۹

۱۷. مولانا در کلام شمس ۳۴۳

۱۸. غیرت عاشقانه و غیرت معشوقانه شمس ۳۵۵

۱۹. اتفاقات قونیّه و داستان فراق ۳۵۷

۲۰. شمه‌ای از حدیث مولانا ۳۶۹

ج) جفا با یار ۳۷۹

مؤخره قسمت اول ۳۸۹

۱. سرفصل‌هایی جدا از طرح منظومه حکمی شمس ۳۸۹

۲. بررسی روان‌شناختی شخصیت شمس ۳۹۱

۳. زندگی زناشویی شمس ۴۰۹

۴۱۹	۳. زن در سخنان شمس
۴۲۰	۴. دوستی و یاری
۴۲۳	۵. نفاق
۴۲۶	۶. گناه
۴۲۷	۷. ابلیس
۴۲۹	۸. جبر و اختیار
۴۳۱	۹. شک و یقین
۴۳۲	۱۰. ایمان و اخلاص و کفر
۴۳۴	۱۱. نبی و ولی
۴۳۹	۱۲. داستان خضر و موسی
۴۳۹	۱۳. مابل غنای و جهد
۴۴۰	۱۴. صوت و سیم
۴۴۱	۱۵. خیال و ادراک
۴۴۳	۱۶. تعلیم و تربیت در شمس
۴۴۴	۱۷. موضوعات دیگر

فصل دوم

هنر و زبان شمس

۴۵۱	بخش اول: مقدمات
۴۵۳	مقدمه اول: هنر رفتاری عرفا
۴۶۱	مقدمه دوم: در چیستی عناصر شعری
۴۶۵	مقدمه سوم: درباره اشعار منشور و شعرا و های مقالات شمس
۴۶۹	بخش دوم: زبان شمس
۴۷۸	فصل اول: بعضی ویژگی های دستوری
۴۸۶	فصل دوم: برخی اختصاصات بلاغی و موسیقایی
۴۹۵	فصل سوم: پاره های از کیفیات عبارات و تعبیرات

۵۱۱	فهارس
-----	-------

۵۶۵	نمایه
-----	-------

خدا مرا مأمور ساخته است که به زاییدن دیگران یاری کنم.

— سقراط، به نقل از دوره آثار افلاطون، ج ۳، ص ۱۲۹۲.

مقدمه

سخن اول

بازار مولانا سال‌هاست رونق گرفته و در دو سه دهه اخیر این رشد و رونق سیر صعودی چشمگیری داشته است. قرن‌ها چه درباره آثار او نوشته می‌شد منحصر بود به شروح عرفانی مثنوی، اما امروزه مسائل سخت‌دلی و صوری، یعنی قدرت شاعرانگی قوت و وسعت زبانی و شیوه‌های رزایتگری، در این میدان گویی می‌برند. و در غرضه معنا و محتوا، کشف و یافتن اندیشه‌های پنهان فراخور امروز، مانند نگاه مولانا به مسائل درونی انسان و به معنای مرگ و زندگی، او را جذب آثار او می‌کند. علاوه بر این، پیوند مولانا با موسیقی و بهره‌گیری از مل‌م‌سیقی از شعر او روزه‌به‌روز وسعت و عمومیت بیش‌تری می‌یابد. اینک وقت است که تا حد امکان شمس هم، که عامل تحول روحی مولانا و زایش فکری و هنری او بوده است، از پشت ابر غربت به در آید. گرچه او خود هرگز عادت به نوشتن نداشته اما برای شناساندنش ناگزیریم از همین راه برویم.

این کتاب دو هدف اصلی دارد: اول، ارائه طرحی پیشنهادی است برای ترسیم منظومه فکری شمس. برای برآوردن این هدف، نقشه‌ای به دست داده‌ام

تا خواننده بتواند با کمک آن در اقلیم رازآلودِ مقالات شمس گشت و گذار کند و با جغرافیای پیچیده آن هرچه بیش تر آشنا شود. هدف دوم، بیرون کشیدن و جلوه دادن مجموعه‌ای از اشعار منثور و گفتارهای شعرواره شمس از میان انبوه عبارات مقالات است. باری، برای انتخاب این شعرهای مستتر در میان گفته‌های شمس سر تا ته مقالات را چند بار جست و جو کردم. در همان حین بخش‌هایی را هم که جای اندیشه‌ها و تعالیم او بود برمی‌گزیدم. از آغاز کار، چگونگی تنظیم سخن و نزدیک به حقیقت نظام فکری شمس، مسئله و دغدغه اصلی این تحقیق بوده است. طرحی که تحت عنوان «منظومه حکمی و هنری شمس تبریزی» به دست داراام چند بار تغییر کرده و متن حاضر نتیجه نهایی این تغییر و تحولات است. این طرح نیز بر اساس گفتارهای باقی مانده از او در مقالات صورت گرفته و من تلاش کرده‌ام هرچه بیش تر قرین حقیقت باشد، اما قطعاً یک برداشت ممکن از بی‌نهایت طرح و تفسیر خواهد بود.

بدین ترتیب کتاب حاضر به این صورت شکل گرفت: پس از گاه‌شمار زندگی شمس، مقدمه و چند تمهید آمده است که مدخلی است برای ورود به قسمت اول کتاب یعنی نظام اندیشه شمس که مفصل‌ترین و رایج‌ترین بخش کتاب است. در تمام موارد، بدون این که استقصای کامل داشته باشم سعی کرده‌ام رد پای افکار شمس را در آرای مولانا هم نشانی بدهم، البته تفاوت‌های ایشان را نیز از نظر دور نداشته و در همین مقدمه به آن‌ها اشاره کرده‌ام.

قسمت دوم به هنر و زبان شمس اختصاص داده شده. این قسمت دو واقع ضمیمه‌ای است بر قسمت اول که هم تکمیل‌کننده مطالب آن و هم تمهید ورودی است بر جزء دوم کتاب که مجموعه‌ای از اشعار منثور و شعرواره‌های شمس است.

درخت اندیشه شمس

در بخش اول از انسان و مسائل مربوط به او بحث کرده و شواهد انسان‌مداری در اندیشه شمس را به دست داده‌ام. این بخش به سه قسمت نظری، عملی، و عینی

تقسیم شده و درواقع دربردارندهٔ مباحث هستی‌شناسانهٔ شمس به نحو نظری و با نتایج عملی و عینی آن‌هاست.

قسمت الف عهده‌دار طرح مباحث نظری است. در این قسمت آرای شمس در مورد انسان فراهم و تدوین شده و انسان‌مداری در اندیشهٔ او با توجه به مطالب مقالات تحت سه فصل نشان داده شده است: «اصالت انسان»، «غربت»، و «تنهایی». اول از نظر شمس انسان اصیل است در برابر جهان خارج. دوم، انسان در این عالم ریب است و سوم، انسان بالذات تنهاست. می‌توان گفت شمس این سه را بارزترین مقایسات ذاتی یا وجوه ماهوی انسان می‌داند.

در فصل چهارم همین قسمت نگرش شمس نسبت به جهان، زندگی و مرگ بررسی شده. جبر از نظر او الهی، نیک، و بی‌کرانه است. او همهٔ عناصر هستی را زنده می‌داند. زندگی به واسطهٔ محالی است برای خوشی و آزمون. از نظر شمس زندگی و مرگ در جریانی مستمر، دنبال هم می‌آیند و آینهٔ یکدیگرند. او مرگ را نقل از جهانی به جهان دیگر می‌داند (می‌توان مجموع فصول قسمت الف را هستی‌شناسی شمس نامید).

در قسمت ب از بخش اول، در پنج فصل کلی رویکرد شمس در خصوص چیستی و چگونگی حرکت معنوی انسان، یا به عبارت اسانتر سلوک و اخلاق عملی، در مکتب او نشان داده شده است.

اولین فصل این قسمت «نیاز» است. از نظر او انسان به سیر سوی حق و رسیدن به معشوق ابتدا باید خارخار نیازی را در خود احساس کند و به سبب تشخیص فقر و فقدان در خویش به تکاپو بیفتد. دوم، «زهد» است. آدمی در این مسیر، اولاً برای این‌که صبرش افزون شود و آمادگی عبور از موانع را بیابد، و دیگر به دلیل آن‌که تنها اندیشهٔ امور اصلی را داشته باشد که اساس وجود او بسته به آن‌هاست، باید زهد بورزد. در خلال زهد بحثی از «تبتّل و فنا» هم آمده است. درواقع زهد و تبتّل و فنا سازندهٔ یک مفهوم واحدند که به بیانی ساده یعنی آدمی باید از چیزهایی بگذرد تا بتواند چیزهایی دیگر و برتر را جایگزین آن‌ها کند. سوم

«متابعت» است. طبق تعالیم شمس، پیامبران اولیات راه را عرضه کرده و عوامل تباهی انسان را نشان داده‌اند. بنابراین راهرو باید از این حداقل‌ها پا برون نگذارد. این متابعت ضامنی است که دو مقام بعدی سلوک شمس یعنی زندگی در لحظه حال و شادی را کنترل می‌کند. چهارم «زندگی در لحظه حال» یا «پاس داشتن وقت» است. حضور در وقت از اصول بنیادی تصوف اسلامی است و در عالم فکری شمس هم جایگاه مهمی دارد. آخرین فصل هم «شادی و رضا» است. عارف شاد است چراکه در مسیر حق حرکت می‌کند و هرچه بدو می‌رسد خواسته حق است. در ذیل شادان، گفتار کوتاهی هم درباره سماع آمده.

پس از این در منظر منی به انسان می‌نگریم. این موضوع قسمت ج از بخش اول خواهد بود. در اندیشه شمس، «انسان مثالی» بنده پنهان حق و ستون جهان و از اولیای حقیقی عالم است. در این قسمت بحث «ولی مستور و ولی مشهور» و «طبقه عاشقان و معشوقان» در منظر او مطرح شده و گفتاری در مورد «شیخ طریقت» در تفکر او آمده است.

بخش دوم درباره حقیقت است. ابتدا طرحی از حکمت درانداخته‌ایم و پیش از ورود به شعب موضوع باب دو بحث مقدماتی درباره «خدا» و «سخن» را گشوده‌ایم. در وادی حقیقت خدا و زبان دو مسئله اصلی «خدا آفریننده جهان و انسان، غایت و مقصود انسان، و روشن‌ترین و پوشیده‌ترین وجه هستی است. شاید بهتر بود که این بحث را در بخش اول می‌آوردیم که این‌گونه باب تفکرات مابعدالطبیعی شمس به تمامی باز می‌شد، اما بهتر دیدم یک لنگه در را به این جا وانهم. بحث از خدا در بخش حقیقت نیز بی‌مناسبت نیست، آنچه از حقیقت می‌گویند و در تعاریف و فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها و آثار فلسفی و غیر فلسفی آمده و بشر در تمامی طول زندگی خویش درباره آن جدل و جست‌وجو کرده و هنوز هیچ اتفاق نظری در خصوص آن حاصل نشده، درواقع رسیدن به اطمینانی است که بیرون از همه تفاسیر و خیالات باشد و همه ابناى بشر را در زیر چتر یقین جمع

کند. (پاسخ شمس وقتی می گوید: «آخر چرا جدا اند آدمیان؟» احتمالاً این باشد که آدمیان جدا آیند به سبب مخفی بودن «حقیقت».)

در بحث مقدماتی دوم، سخن از «سخن» است. زبان مصدر و مجرای حقیقت است. انسان از طریق آن می اندیشد و می فهمد و با همان نیز مافی الضمیر خویش را بیان می کند. هم روشنی از او و هم ابهام از اوست. پس از این بحث شعبه های بخش حقیقت در اندیشه شمس مطرح می شود.

ابتدا، «کل نگری» است. اندیشه شمس کل محور است. اتکا کردن به کل، جزء را در تقدیر دارد. آرامش و طمأنینه نیز ایجاد می کند چرا که جزئیات و کثرات مصادر تشریش از راه ورود به معرفت شناسی شمس کل نگری در تفکر اوست. دوم، ترجیح هم نهری، بر علم حصولی که از بنیادهای اساسی هر بینش عرفانی است همراه با بحث بر منع و طرد علم تقلیدی.

سوم، «تفسیری بودن حقیقت» است. به اسباب و دلایل و انحاء گوناگون حقیقت امری است نه تنها تفسیر پذیر، بلکه امری است که اساساً از مسیر تفسیر به دست می آید و این امر سوابق و نتایج قابل توجه و فراوانی دارد و یکی از موضوعات جذاب جهان جدید است که در همه شاخه های دانش و زندگی تأثیر خود را گذاشته و در عبارات متصوفه هم پیشینه - شگفتی دارد. یکی از دلایل تشابه - و نه یکسانی و مطابقت کامل - اندیشه و زبان با اندیشمندان جدید در این امر است و همین تفکر یکی از دلایل توجه به اندیشه عرفانی در سده های اخیر بوده، به ویژه به سبب یکی از نتایج این اندیشه که مدار است. در این فصل گفتاری هم در خصوص «مدار» آمده است.

بحث آخر این بخش مسئله «حفظ اسرار و خاموشی گزیدن» است. در این بخش در واقع نگرش معرفت شناسانه شمس و طرز نگاه او به دانش و دانایی انسان و حکمت موجود در هستی و روش صحیح کسب معرفت تشریح شده است.

بخش سوم درباره عشق است. عشق مهم ترین موضوع در اندیشه و طریقه عرفانی

است. از نظر برخی صاحب‌نظران تصوف یعنی خداپرستی از روی عشق.^۱ در این بخش این موضوع محوری که درواقع می‌توان گفت تمام اندیشه و سلک عرفانی یا به نحو نظری از این مفهوم مایه گرفته و محصور در آن است و یا در نتیجه و در عمل به آن منتهی می‌شود از منظر شمس بررسی شده. شاید در مواجهه ابتدایی با مقالات شمس عشق کم‌تر به چشم بیاید، در این جا، بعد از ذکر دلایلی برای این امر، مام عبارات او در مورد عشق، که بسیاری از آن‌ها خطاب به مولانا و بخشی از آن‌ها با آن کلی اوست، درکنار هم قرار گرفته و دسته‌بندی شده‌اند و آنگاه جانب عشق در مقالات شمس روشن‌تر شده است.

ذیل بحث کلی درباره عشق، موضوع جفا و تندى شمس را نسبت به یار برگزیده و خاص، بسته کرده‌ام که بارزترین شیوه در تعلیم و تربیت عاشقانه و عارفانه اوست.

بعد از اتمام طرح منصومه فکری شمس، موضوعات دیگری را با توضیحات مختصر در مؤخره آورده و نیاید آن‌ها را در مقالات به دست داده‌ام. این موضوعات غالباً به دلیل قلت شواهد در دست در طرح من وارد نشده‌اند اما برای این‌که تا جای ممکن حق تمامی موضوعات را به جا آورده باشم آن‌ها را در مؤخره یک‌جا گرد آورده‌ام.

در این طرح پس از مقدمه اصلی و مقدمه بخش‌ها و فصل‌ها، که شرح مفاهیم و یا تحلیل تاریخی است، برای شرح و تبیین هر مفهوم شواهد متعدد از سخنان شمس آورده شده که ممکن است برای خواننده ملال‌آور باشد اما مقصود نویسنده این

۱. این بیان از بدیع‌الزمان فروزانفر است (نگاه کنید به مجموعه مقالات و اشعار استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، ص ۲۸۸). ایشان در مقاله «فارابی و تصوف» هم بر اساسی بودن عشق در تصوف تأکید می‌کند (جانب محتوا) و هم در فحوای کلام خویش برای نشان دادن رشحات تصوف در نوشته‌های فارابی وجه تمایز عبارات او را وجود ذوق و صنعت می‌داند (جانب صورت)، یعنی وجود تلقی هنری. و این می‌تواند پیشینه و تمهیدی باشد برای تعریف شیعی کدکنی از عرفان در آثار متعددش که به نظر او تصوف نگاه هنری به الهیات است.

بوده است که شواهد هر موضوع را تا جایی که ممکن بوده کنار هم قرار دهد و منبعی حتی الامکان جامع فراهم آورد. می‌دانیم که مقالات شمس بیش از دیگر متون کلاسیک ادبیات فارسی زمانده و دشوار است. و می‌دانیم که قرن‌ها ناخوانده مانده و هنوز آن‌گونه که شایسته است محل توجه و تحقیق قرار نگرفته. مقالات یکی از زیباترین و بکرترین متون نثر ادبیات پارسی است، اما جدا از زیبایی‌هایش، متنی آن در برخی بخش‌ها دشواریاب و مبهم و پریشان است و در برخی کاملاً بدون جهت و برند. بنابراین نویسنده اگر توانسته باشد با بازخوانی مکرر و جمع‌آوری شواهد بیش‌تر، تبیین دقیق‌تر، طرحی فراگیرتر و موجه‌تر در اختیار علاقه‌مندان و محققین بگذارد آن‌گاه خود را مجاز و عملش را صواب می‌بیند که کتابی حجیم در پیش روی قرار داده است. خجالتی که از بابت صرف وقت عزیز و قوای بی‌بهای خوانندگان و اختصاص این همه کاغذ بی‌زبان و گران برای نوشته‌ی خود در خاطر دارد قدری کاسته خواهد شد.

تأثیرپذیری مولانا از شمس

شمس معشوق و مراد مولانا است، و مشهور است که سبب تحول روحی، اندیشگی و هنری او بوده است. مولانا خود نسبت به این امر قرار دارد و این موضوع را تذکره‌نویسانی هم که ذکر او به میان آورده‌اند تکرار کرده‌اند. مولانا، علاوه بر این اقرار، القاب و اوصاف بسیار بلندی درباره‌ی شمس به کار می‌برد — که چیزی فراتر از بیان‌های تقلیدی و تکراری تذکره‌نویسان است — و زیبایی بیان، گفتار او را بسیار می‌ستاید و آن را به شیرینی توصیف می‌کند:

تا شنیدم گفتن شیرین او می‌فزاید گفتن خویشم ملال

(کلیات، ترجیع مفعول)

یعنی هم بر بلندی شخصیت و اندیشه و حکمت شمس تأکید می‌کند و هم بر یگانگی هنر و زبان او، ولی به این دلیل که مکتوبی از شمس در دست نبود، روزگاری دراز چیرستی این حکمت و هنر مکتوم ماند.